

مطالعه تطبیقی فرم، تکنیک و کاربرد سفالینه‌های منطقه نیشابور در دوره سامانی با تولیدات منطقه چانگشا در دوره تانگ

مجید رضا مقنی‌پور*

سید جواد ظفرمند**، اشکان رحمانی***

چکیده

قرار گرفتن نیشابور در مسیر یکی از شاهراههای جاده ابریشم، ارتباط این منطقه را با فرهنگ‌های دیگر برقرار می‌کند؛ به طوریکه محصولات هنری نیشابور از یک سو (بیشتر از بُعد فنی و تکنیکی) متأثر از شیوه‌های شرق به ویژه چین بوده و از سوی دیگر به لحاظ شکل‌های تزئینی و اندیشه‌های حاکم بر آن، وابسته به سنت‌های ایرانی و نیز مراکزی مانند دمشق، بغداد و سامرا بوده است.

این پژوهش با رویکردی تطبیقی و با هدف شناسایی شکل‌های تأثیرپذیری تولیدات نیشابور در دوران عباسی از سفالینه‌ها و سرامیک‌های هم‌عصر آن در چین انجام گرفته است. بر این اساس و با فرض تأثیرپذیری آثار سفالی نیشابور از محصولات وارد شده از چین (به طور خاص منطقه چانگشا به عنوان مرکز عمده تولید و صادرات سرامیک‌های لعاب‌دار در آن زمان)، محصولات لعاب‌دار این دو منطقه بر مبنای چهار متغیر شکل، تکنیک، کاربرد و تزئین مورد مقایسه قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان‌دهنده این مسئله است که محصولات این دو منطقه دارای تشابهات تکنیکی و کاربردی بوده و عمده تفاوت آنها را می‌بایست در نوع و کیفیت

* استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز، دانشکده هنر و معماری، شیراز (نویسنده مسئول)،
moghanipuor@shirazu.ac.ir

** دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز، دانشکده هنر و معماری،
zafarmand@shirazu.ac.ir

*** استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز، دانشکده هنر و معماری،
rahmani.ashkan@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۳۰

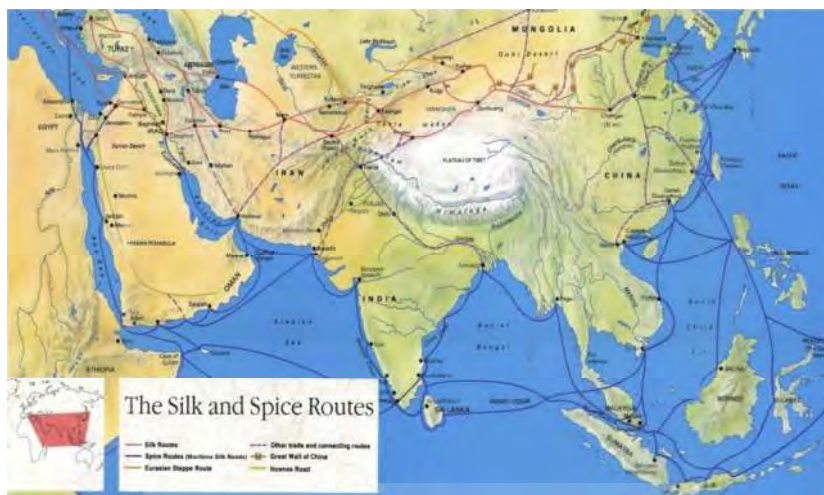
Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

بالای تزئینات در تولیدات نیشابور جستجو نمود؛ که علت اصلی این مسئله، یکی تفاوت- های الگوهای تجسمی و تصویری در فرهنگ و منطقه و دیگر تمایز شیوه‌های تولید با توجه به اهداف تولیدکنندگان دو منطقه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: آثار سفالی، نیشابور، چانگشا، سبک تزئین، دوره عباسی

۱. مقدمه

در سده‌های سوم و چهارم هجری قمری، منطقه نیشابور در شمال شرقی ایران و چانگشا در جنوب شرقی چین، هر دو در زمینه تولید محصولات سرمایه‌گذاری فعال بودند. اگر چه پیشینه و نیز کمیت فعالیت‌های تولیدی در چانگشا، شهرت فراوانی را برای این منطقه به ارمغان آورده بود؛ همچنین موقعیت جغرافیایی این منطقه، امکان دسترسی آن را به شاهراه دریایی جاده ابریشم فراهم می‌ساخت، شهر چانگشا، مرکز ایالت هونان، در بخش مرکزی چین از طریق رودخانه یانگ تسه، به بندر خانفوا یا کانتون مرتبط بوده است و از آنجا بسیاری از محصولات سرمایه‌گذاری، از مسیر دریایی به دیگر سرزمین‌ها صادر می‌شد (اسماعیلی جلودار و جعفرنیا، ۱۳۹۵: ۱). نیشابور نیز یکی از شهرهای پر رونق تولیدی و تجاری ایران را در دوران عباسی شکل داده بود که از یک سو با سرزمین‌های شرقی ایران در ارتباط بود و از سوی دیگر با شهرها و مراکز بزرگ اسلامی همچون بغداد، دمشق و سامرا مرادده داشت.^۱ در دوره عباسیان (۶۵۶ - ۱۳۲ ه ق) مسیر شمالی جاده زمینی ابریشم، بغداد را به شهرهای ماوراءالنهر تا حدود چین متصل می‌کرد. این شاهراه در گذر از شهرهای ایران، مسیرش را از دروازه خراسان واقع در شمال بغداد شروع و با عبور از دجله و حلوان، وارد ذی‌القدر جبال می‌شد و پس از عبور از کرمانشاه و همدان، با امتداد به سوی شرق و عبور از قومس، در نزدیکی بسطام به ایالت خراسان وارد می‌شد و پس از گذر از نیشابور و طوس به سرخس و مرو می‌رود (لسترنج، ۱۳۷۳: ۹؛ نیز نک: پیرنیا و افسر، ۱۳۸۰: ۸۴؛ فرانک و براونستون، ۱۳۷۶: ۴۱ و ۴۲).



تصویر شماره ۱. مسیر دریایی جاده ابریشم در دوران عباسی و موقعیت بنادر جنوبی چین و ایران (منبع: wood, 2002)

این مقاله به دنبال شواهدی برای اثبات تاثیرگذاری تکنیکی و فرمی محصولات سرامیکی چانگشا بر آثار نیشابور می‌باشد؛ رویکرد پژوهش تطبیقی و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی بوده که تجزیه و تحلیل اطلاعات در آن بصورت کیفی و با استفاده از جداول تطبیقی و استخراج شباهت‌های فرمی و تکنیکی داده‌هایی دو منطقه چانگشا و نیشابور انجام می‌گیرد. بر این اساس ابتدا، توصیفی از منطقه تاریخی نیشابور ارائه می‌گردد و بعد از آن به معرفی سفالینه‌ها و سرامیک‌های تولید شده در منطقه نیشابور در قالب جداول توصیفی و بر مبنای تقسیم‌بندی وینکلسون می‌پردازیم. در ادامه، آثار سفالی و سرامیکی منطقه چانگشا، که دارای شباهت‌هایی فرمی، تکنیکی یا تزئینی با تولیدات منطقه نیشابور هستند (با استناد بر آثار کشف شده در کشتی تجاری غرق شده بلیتانگ)، توصیف و طبقه‌بندی می‌شود؛ در پایان نیز با استناد به توصیفات ارائه شده از وجوه تشابه آثار دو منطقه و نیز با استناد به پژوهش‌های علمی و تاریخی انجام گرفته در خصوص ارتباط دو منطقه، تاثیرپذیری تولیدات منطقه نیشابور از آثار دوره تانگ در چانگشا را مورد تحلیل قرار می‌دهیم؛ همچنین دلایلی را برای تمایزات آثار دو منطقه، علارغم تاثیرپذیری در برخی وجوه، ارائه می‌دهیم.

۲. معرفی منطقه تاریخی نیشابور و محصولات سفالی آن

نیشابور در دوره ساسانیان، در حدود دهه‌های میانی سده سوم میلادی، به فرمان شاپور اول تاسیس شد (زرین کوب، ۱۳۶۴: ۱۱۶). ضرب سکه‌های ساسانی در این شهر، نشانه اهمیت سیاسی آن پیش از اسلام است. در دوره یزدگرد دوم ساسانی (۴۳۸ - ۴۵۷ م)، نیشابور مدتی محل اقامت وی بوده است (پیرنیا، ۱۳۶۲: ۱۲۱). سپاه مسلمانان در سال ۳۱ هجری، بر نیشابور دست یافت (ابن اثیر، ۱۳۷۴: ۱۶۴۷). و چنان‌که بلاذری در فتوح البلدان نوشته است، عبدالله بن عامر، از امیران خلیفه سوم، در سال سی‌ام هجری؛ سپاهیان خود را به سوی خراسان روانه کرد و پس از دست یافتن به توابع نیشابور، شهر نیشابور را به محاصره درآورد و در برابر دریافت خراج، با مرزبان آن شهر مصالحه کرد (بلاذری، ۱۳۶۷: ۵۶۳ - ۵۶۱). اهمیت سیاسی این شهر در دوره اسلامی، به اوایل قرن چهارم هجری باز می‌گردد که عبدالله بن طاهر آنجا را مرکز حکومت خود قرار داد و این شهر بعد از مرو، در درجه اول اهمیت قرار گرفت (یعقوبی، ۱۳۶۶: ۴۱۳). به نظر ابن حوقل، در تمام خراسان شهری خوش آب و هوا تر و آبادتر از نیشابور نبود؛ ثروت بازرگانانش بسیار بود و هر روز کاروانی تازه به آن شهر می‌رسید و انبارهای آنجا را از کالاهای گوناگون پر می‌کرد و کالاهایی از آن شهر به نواحی دیگر صادر می‌شد (ابن حوقل، ۱۳۶۵: ۲۸۸). مولف گمنام کتاب حدود العالم نیز نیشابور را بزرگترین شهر خراسان می‌داند که دارای جمعیت و نفوس بسیاری است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۵۲). دوره سیصد ساله‌ای از اوایل قرن سوم تا اوایل قرن ششم هجری قمری (۹ تا ۱۲ میلادی)، از مهم‌ترین و پرفراز و نشیب‌ترین دوران تاریخ این منطقه بوده است. اگرچه در دوره‌های قدرت‌گیری حکومت‌های بعد از آن، به جز آغاز دوره سلجوقی (۴۲۹ ه ق / ۱۰۳۷ م)، این شهر پایتخت نبود؛ اما شهری مهم خصوصاً از نظر علمی، هنری و تجاری بود (بدری، ۱۳۹۱: ۱۹). دوره سامانیان (۳۸۹ - ۲۶۱ ه ق / ۱۰۰۴ - ۸۷۴ م) مهم‌ترین دوره اعتلای هنری نیشابور معرفی می‌شود. بر همین مبنا، تاریخ بسیاری از آثار سفالی باقی مانده از منطقه نیشابور نیز به دوران سامانی، نسبت داده می‌شود (رفیعی، ۱۳۷۷: ۱۰۶).



تصویر شماره ۲. نمونه ای از آثار کشف شده از شهر قدیم نیشابور (منبع: Wilkinson, 1973)

در بین سالهای ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۸ شمسی، حفریاتی به قصد کشف آثار و نشانه‌هایی از دوران ساسانی، توسط هیات ایران‌شناسی موزه متروپلیتن نیویورک، در شهر قدیم نیشابور و تپه‌های تاریخی آن انجام گرفت، اما به جای آن، قطعات بسیاری از آثار سفالی مربوط به دوران اسلامی از این منطقه بدست آمد (قوچانی، ۱۳۶۳: ۵-۴). وصف نسبتاً کاملی از سفالینه‌های کشف شده از کاوش‌های موزه متروپلیتن در کتابی تحت عنوان «نیشابور، سفال اوایل دوره اسلامی» توسط ویلکینسون (۱۹۷۳) ارائه شده است. همچنین در کاوش‌های سال ۱۳۶۶ و کشف کوره‌های متعدد پخت سفال در منطقه، مشخص گردید که نیشابور در سده‌های سوم تا ششم هجری قمری (۹ تا ۱۲ میلادی) یکی از مهم‌ترین و بزرگترین مراکز پخت سفال در ایران بوده است. بیشتر این آثار مربوط به سده‌های ۳ و ۴ هجری (۹ و ۱۰ م) بوده است. لازم به ذکر است که در طبقه‌بندی سفال‌های دوران اسلامی، سفال قرون سوم و چهارم ه.ق. به نام سفال سامانی شناسایی می‌شود؛ که مهمترین مناطق تولید آنها در شمال شرق ایران و مراکز می‌مانند نیشابور، سمرقند و جرجان بوده است (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۶۱).

آثار سفالی به دست آمده از حفاری‌های منطقه نیشابور شامل تنوع گسترده‌ای از ظروف لعاب‌دار و بدون لعاب می‌باشد که این تنوع شامل فرم و کاربرد ظروف، تکنیک‌های تزئین، نوع نقوش تزئینی، رنگ‌گزینی‌ها و غیره می‌باشد. ویلکینسون این آثار را در ۱۲ گروه، جای داده است؛ از نکات حائز اهمیت در این دسته‌بندی، می‌توان به وجود قطعات سفالینه‌ای از کشور چین (دوره تانگ)، در منطقه نیشابور اشاره داشت :

جدول شماره ۱. دسته بندی دوازده گانه وینکلسون از سفالینه های کشف شده از نیشابور (جدول از نگارندگان: منبع تصاویر: Wilkinson, ۱۹۷۳)

نام گروه	نمونه ظروف و اشیاء	نام گروه	نمونه ظروف و اشیاء
۱. ظروف نخودی		۷. ظروف با لعاب مات زرد	
۲. ظروف با لعاب پاشیده		۸. ظروف با نقوش سیاه و لعاب زرد	
۳. ظروف با نقوش سیاه بر زمینه سفید		۹. ظروف تک رنگ	
۴. ظروف با تزئین رنگارنگ		۱۰. ظروف متناسب به کشور چین	
۵. ظروف با پوشش گلابه های رنگی		۱۱. ظروف با لعاب قلبایی	
۶. ظروف با پوشش سفید مات		۱۲. ظروف بدون لعاب	

جدول شماره ۲. ویژگی های تکنیکی و تزئینی سفال های کشف شده در نیشابور، بر مبنای تقسیم بندی ویلکینسون (منبع: نگارندگان)

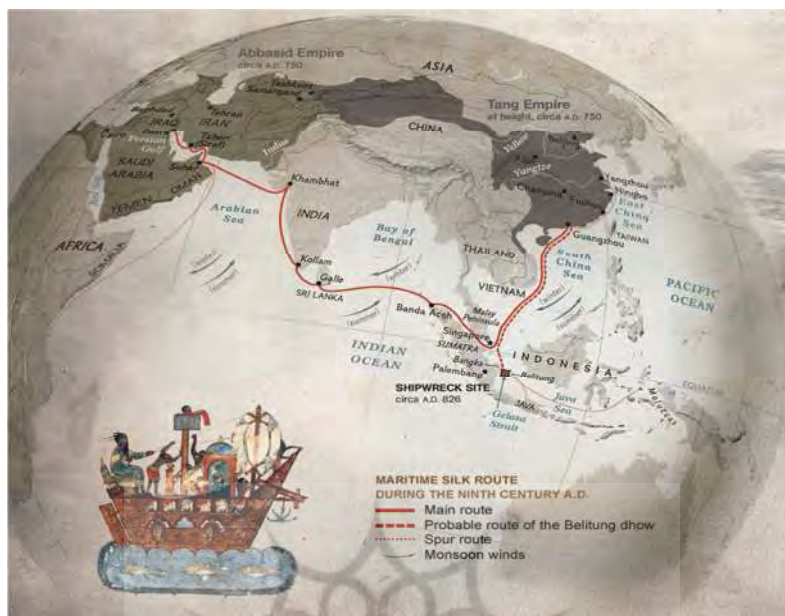
نام گروه	تکنیک	نقوش تزئینی
۱. ظروف نخودی	بدنه ظروف نخودی رنگ. پوشش نهایی لعاب سربی	نقوش هندسی و نیز گل دار همچنین نقوش حیوانات چهارپای شاخدار و پرندگان به شیوه تجریدی.
۲. ظروف با لعاب پاشیده	رنگ های زرد، سبز و قهوه ای به صورت ضربه های سریع، یا پاشیده بر روی ظرف به کار رفته است و پوشش نهایی با لعاب سربی شفاف	یک گروه از ظروف ساده هستند و فقط با لعاب پاشیده تزئین شده اند و گروه دیگر بر روی بدنه ظرف دارای نقوش کنده کاری می باشند.
۳. ظروف با نقوش سیاه بر زمینه سفید	نقوش با رنگ سیاه متمایل به ارغوانی یا قهوه ای بر روی زمینه سفید همراه با پوشش لعاب شفاف بی رنگ	نقوش (در بیشتر موارد خط کوفی و تزئینات وابسته به آن) گاه بصورت ریز و مینیمالیستی بر کناره ها یا قسمتی از ظروف نقش بسته است

<p>نقوش تزئینی در این ظروف به مانند گروه قبل اکثراً شامل خط کوفی و تزئینات مختص به آن می‌باشد. گاه در کف برخی ظروف نقش پرنده‌ای موسوم به مرغ مشبک دیده می‌شود.</p>	<p>ویژگی‌های تکنیکی این گروه به مانند گروه قبل می‌باشد با این تفاوت که در کنار رنگ مشکی رنگهای قرمز، سبز و زرد نیز دیده می‌شود.</p>	<p>۴. ظروف با تزئین رنگارنگ</p>
<p>تزئینات این گروه بسیار متنوع بوده و شامل خطوط کوفی تزئینی درشت، تزئینات خوشه‌ای (یا انگشتی)، گل‌های سه برگی، گل نیلوفر و گل‌های صلیبی شکل و ...</p>	<p>تزئین با رنگهای روشن بر روی بدنه تیره که معمولاً پوشش گلابه‌های رنگی به رنگ قرمز (بعد از پخت قهوه‌ای) می‌باشد</p>	<p>۵. ظروف با پوشش گلابه‌های رنگی</p>
<p>مضمون و فرم تزئینات این گروه با گروه-های قبل مشترک می‌باشد. در موارد معدودی از گروه‌های ساده هندسی به عنوان تزئین استفاده شده است.</p>	<p>وجه تمایز تکنیکی این ظروف، مات بودن لعاب سربی آن می‌باشد که درجه ماتی آن بستگی به میزان قلع آن دارد.</p>	<p>۶. ظروف با پوشش سفید مات</p>
<p>نقوش به نسبت گروه‌های دیگر ساده می‌باشند و اکثراً شامل نقوش خوشه‌ای (انگشتی) و در موارد معدودی خطوط کوفی به فرمی ابتدایی است.</p>	<p>رنگ بدنه قرمز متمایل به قهوه‌ای و تزئینات اکثراً به رنگ سبز است. درجه زرد بودن لعاب، نسبت مستقیمی با غلظت آن دارد.</p>	<p>۷. ظروف با لعاب مات زرد</p>
<p>خط کوفی تزئینی، نقوش گیاهی تجریدی دایره‌های خال دار (معروف به چشم طاووسی) و در مواردی پرنده و حیوانات می‌باشد.</p>	<p>نقوش مشکی بر روی بدنه قرمز و پوشش لعاب زرد رنگی (سیر تا لیمویی)</p>	<p>۸. ظروف با نقوش سیاه و لعاب زرد</p>
<p>بدون تزئین، در مواردی تزئینات گیاهی ساده و بسیار کم‌عمقی به شکل خطی کنده‌کاری شده</p>	<p>لعاب سربی شفاف ترکیب شده با اکسید رنگی (آبی، سبز یا قهوه ای)</p>	<p>۹. ظروف تک رنگ</p>
<p>تزئینات کنده-کاری شده معدودی از این ظروف شامل موضوعات شرق دور شامل تصاویر از طبیعت، گیاهی و انسانی می‌باشد.</p>	<p>بدنه سرامیکی با پخت بالا، لعاب آنها که یا به شکل موضعی و پاشیده بر تزئینات کنده شده و شامل رنگهای سبز، آبی، ارغوانی یا زرد است.</p>	<p>۱۰. ظروف منسوب به کشور چین</p>
<p>بدون تزئین، در بعضی ظروف نیز تزئینات کنده‌کاری پرکار و نسبتاً عمیقی با موضوعات گیاهی، انسانی و حیوانی دیده می‌شود.</p>	<p>جنس بدنه سرامیکی با پوشش لعابهای قلبایی به رنگهای آبی روشن، آبی تیره و متمایل به ارغوانی</p>	<p>۱۱. ظروف با لعاب قلبایی</p>
<p>تزئینات اکثراً به شکل کنده‌کاری بوده، همچنین تزئینات حجم‌دار قالبی نیز بر روی برخی از نمونه‌ها دیده شده است.</p>	<p>تنوع در فرم و اندازه، اکثر آنها دسته داشتند. نمونه‌هایی نیز به شکل احجام حیوانی کوچک (احتمالاً به عنوان اسباب بازی) یافت شده است.</p>	<p>۱۲. ظروف بدون لعاب</p>

۳. معرفی منطقه چانگشا و محصولات سفالی آن

شهر چانگشا، مرکز ایالت هونان، در بخش مرکزی چین، یکی از حوزه‌های فعال در زمینه تولید و عرضه محصولات سفالی و سرامیکی در سده‌های نهم تا دوازدهم میلادی (۳ تا ۶ ه ق) بوده است. (جرالد، ۱۳۶۷: ۸۷) این شهر از طریق رودخانه یانگ تسه، به بندر خانفوا یا کانتون مرتبط بوده است و از این طریق بسیاری از تولیدات منطقه، از مسیر دریایی به دیگر سرزمین‌ها صادر می‌شد. به طوری که تولیدات این منطقه از چین و تقریباً تمام بخش‌های اقیانوس هند و بندرهای آن به دست آمده است (Liu, 1991: 236). سفال‌های چانگشا در اواخر سال‌های دوران سلسله تانگ (۹۰۶ - ۸۱۸ م / ۲۹۳ - ۲۰۲ ه ق) تولید می‌شده است. (flecker, 2001: 335). به عقیده واتسون اشکال ظروف نشان می‌دهد که تاریخ این‌گونه مربوط به نیمه دوم قرن نهم میلادی (سوم ه ق) بوده است (Watson, 1984: 64).

بسیاری از اطلاعات مرتبط با آثار این منطقه از طریق کشف کالاهای موجود در لاشه یک کشتی تجاری غرق شده موسوم به «بلیتانگ» به دست آمده است؛ این کشتی که در سال ۸۲۶ میلادی (۲۱۱ ه ق) از بندر جنوبی چانگشا و از مسیر دریایی راه ابریشم عازم خلیج فارس و بنادر مهم آن از جمله بندر سیراف بوده است، احتمالاً به خاطر گرفتار شدن در طوفان، در اقیانوس هند غرق شده است (flecker, 2001: 335). بقایای این کشتی در سال ۱۹۷۶ کشف شد (Krahl et al, 2011: 31). به غیر از آن، کاوش‌های باستان‌شناسی از بقایای کوره‌ها و برخی آثار از محل کارگاه‌ها و همچنین برخی نمونه آثار به دست آمده از شرکای تجاری چین در آن دوران، چشم‌انداز نسبتاً روشنی از ویژگی‌های آثار تولیدی این منطقه به دست می‌دهد (اسماعیلی جلودار و جعفرنیا، ۱۳۹۵: ۱۷).



تصویر شماره ۳. مسیر حرکت و مقاصد کشتی غرق شده بلیتنگ

(منبع، <http://ngm.nationalgeographic.com/2009/06/tang-shipwreck/trade-illustration>)

شواهد میدانی حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی به محققان این اجازه را داده است تا بر مبنای تحولات شکل‌دهی و تزئین آثار، تولیدات منطقه چانگشا را به چهار دوره پیوسته تقسیم نمایند.

ساخت ظروف ساده با تزئینات تک‌رنگ، از شاخص‌ترین تولیدات دوره اول می‌باشد؛ رنگ لعاب‌ها اکثر سبز رنگ می‌باشد و تعداد بسیار اندکی از تنگ با نقوش ساده و برجسته نیز از این دوران بدست آمده است. تاریخ این دوره، نیمه دوم قرن هشتم میلادی (نیمه قرن دوم ه ق) تخمین زده می‌شود. در دور [دوم] (نیمه اول قرن نهم میلادی / اوایل قرن سوم ه ق) ظاهراً تولید ظروف و به ویژه بشقاب‌هایی با نقوش متنوع و تزئینات زیرلعابی آغاز شد. همچنین از این دوره تعداد زیادی از تنگ‌های بزرگ با نقوش ظریف، برجسته و لعابدار (به صورت موضعی در محل نقش برجسته و با لعاب تک‌رنگ قهوه‌ای شفاف) بدست آمده است (Yang, 2011:155-156).

آثار این دوره سوم (نیمه دوم قرن نهم میلادی / اواسط قرن سوم ه ق)، نقطه اوجی را در تولیدات منطقه چانگشا نشان می‌دهد. این اوج و شکوفایی هم به دلیل کیفیت شکل و

تزئینات آثار بود و هم شناخته شدن و اعتبار بیرونی تولیدات را در بر می گرفت؛ بطوری که کمیت آثار بدست آمده نیز بر این مهم صحنه می گذارد. ظروف با تزئینات زیرلعابی، به تولیدات اصلی منطقه تبدیل شد، که در میان نقوش آنها، خوشنویسی چینی نیز دیده می شود. تولید تنگ با نقوش لعابدار برجسته نیز به مانند دوره های قبل ادامه داشت. همچنین در میان آثار تولیدی این دوران تعدادی اشیای بدون لعاب نیز مشاهده شده است که بیشتر آنها به شکل آدمکها، پرندگان و حیواناتی بودند که ظاهراً به عنوان اسباب بازی کودکان مورد استفاده قرار می گرفتند. در دوره چهارم که معاصر با پایان دوران تنگ می باشد، از محصولات تولید شده در دوران سوم تنها ظروف با تزئینات زیر لعابی تولید می شد، هر چند در آثار این دوره، نشانه هایی از تضعیف تکنیکی به چشم می خورد- (Yang, 2011:157-158).

در مجموع، تنوع فرمی و کاربردی تولیدات منطقه چانگشا بسیار زیاد بود؛ بطوریکه باستان شناسان چینی در گزارش های خود به بیش از ۷۰ نوع شیء مختلف اشاره داشته اند که شامل تنگ، گلدان، کاسه، بشقاب، لیوان، قطعات واشر مانند، جعبه های تزئینی، محفظه های برای روشنایی، اسباب بازی در شکل های متنوع و غیره، می باشد. تقریباً تمام آثار تولید شده در چانگشا در میان آثار کشف شده در کشتی تجاری بلیتانگ دیده شده است، که در میان آنها بشقاب، کاسه و ظروف نوشیدنی به لحاظ کمیت و کیفیت از اهمیت بیشتری برخوردار می باشند (flecker, 2001: 336). منابع نوشتاری، داده های باستان شناختی و مطالعات میان رشته ای، هر سه، نشان از وجود بازرگانی دریایی بین ایران و چین حداقل از دوره اشکانی به بعد دارد (وثوقی، ۱۳۹۵: ۳۶-۱۵)؛ و در این میان یکی از این یافته های ارزشمند، محموله کشتی بلیتانگ است. ویژگی های تزئینی آثار یافت شده در این محموله از یکسو و شیوه چیدمان آنها در کوزه های بزرگتر از سوی دیگر، همگی نشان از ارزشمند بودن این گونه سفالی در تجارت با جهان غرب چینی، شامل آفریقا و آسیای غربی دارد (اسماعیلی-جلودار و جعفرنیا، ۱۳۹۵: ۱۷).















تصاویر شماره ۴ و ۵: بخشی از محموله‌های کشتی بلیتانگ، سفال چانگشا در کوزه‌های بزرگ (flecker.2001)

در این پژوهش، به منظور توصیف نقوش و تزئینات محصولات چانگشا، تزئینات بشقاب‌ها و کاسه‌ها مورد مطالعه قرار گرفت؛ زیرا که این فرم ظروف، نزدیکترین انطباق را با تولیدات نیشابور دارد. در بشقاب‌ها و کاسه‌های تولید شده در چانگشا نیز به مانند تنگ‌ها و ابریق‌ها، مضامین نقوش تزئینی، طیف گسترده‌ای را در بر می‌گرفت که از جمله می‌توان به گیاهان، گل‌ها، بخار یا ابرهای پیچان، منظره، پرندگان، ماهی و خط (خوشنویسی چینی) اشاره داشت. سبک نمایش این مضامین در بیشتر موارد، آزادانه و البته استادانه بود و به نظر می‌رسد تا اندازه‌ای متأثر از «کانگ سئو» kuangcao یا خط شکسته وحشی می‌باشد که شیوه‌ای پرطرفدار در منطقه چانگشا بود. هر چند که با توسعه تجاری محصولات منطقه چانگشا، مضامین سنتی کمتر در آثار تولیدی مشاهده می‌شود، اما شیوه نمایش مضامین و فرم‌ها، همچنان متأثر از سنت‌های قدرتمند شرقی بود. در جدول شماره ۳ شاخص‌ترین نقوش تزئینی بکار رفته در بشقاب‌ها و کاسه‌های تولید شده در منطقه چانگشا مشاهده می‌شود:

پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۳ - انواع تزئینات در محصولات چانگشا (جدول از نگارنده، منبع تصاویر Krahl et al, 2011)

	خط		الگوی متقارن گلداز
	الگوهای نقطه ای		نقوش شاخ و برگ
	لعاب ریخته		نقش پرنده
	نقش گل		موجودات افسانه ای
	لعاب تک رنگ		منظره (چشم انداز)
	تزئین ساده		ابر پیچان

۴. مقایسه آثار سفالی چانگشا و نیشابور

با مطالعه ویژگی‌های تکنیکی و تزئینی آثار تولید شده در دو منطقه چانگشا در جنوب شرقی چین و نیشابور در شمال شرقی ایران و مقایسه این ویژگی‌ها، شباهت‌هایی در تکنیک ساخت و تزئین و فرم تزئینی آثار دو منطقه قابل مشاهده است؛ شباهت تکنیک، فرم تزئینات و در بعضی موارد رنگ آنها، می‌تواند نشان از آگاهی کارگاه‌های نیشابور از محصولات چانگشا و انتخاب آن به عنوان یک شیوه تزئین نسبتاً سریع باشد؛ که این مسئله با فاصله زمانی اوج‌های رونق سفال‌گری در هر منطقه، کاملاً تطبیق دارد (چانگشا: ۷۵۰ تا ۹۰۷ میلادی و نیشابور: حدود ۸۰۰ الی ۱۰۰۰ میلادی). مهمترین این تشابهات شامل موارد زیر می‌باشد.

- تکنیک و فرم تزئینات به کار رفته در ظروف با لعاب پاشیده (گروه دوم از تقسیم‌بندی وینکلسون) در برخی موارد دارای شباهت بسیاری با آثار چانگشا می‌باشد. البته این شباهت می‌تواند به صورت تصادفی و نشأت گرفته از نوع تکنیک مشترک باشد؛ همان‌گونه که هربرت رید، هنرشناس برجسته انگلیسی (۱۸۹۳ - ۱۹۶۸ م)، یکی از شگفت‌انگیزترین خصیصه‌های هنر غیررسمی (در مقابل هنر رسمی و درباری) را عمومیت آن می‌داند:


به نظر می‌آید که از چهار گوشه جهان یک نقش، یک نحوه انتزاع و یک صنعت سر از خاک بیرون می‌آورد ... که در تحلیل این شباهت‌ها باید ظرفیت‌های ذاتی مواد و فراگردهای مختلف تولید را به حساب آورد ... در اینجا هنرمند اصلی همان دستگاه کار است (رید، ۱۳۸۰: ۶۶).

اما از سوی دیگر، رواج و گسترش این شیوه تزئینی به سرزمین چین نسبت داده شده است؛ چنانچه در کاوش‌های باستان‌شناسی از شهرهای معروف اسلامی مانند ری، شوش، سیراف، جرجان و نیشابور، سفالینه‌های چینی لعاب پاشیده بسیاری به دست آمده است (fehevari, 1974: 146). در رنگ‌های پاشیده شده در ظروف ساخت چین، اغلب سه رنگ سبز، آبی و زرد کهربایی به کار رفته است، ولی در ظروف نیشابور رنگ غالب، ارغوانی بوده است (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۶۵).

- تزئین با فرم‌های نقطه‌ای، از شیوه‌هایی است که در آثار هر دو منطقه دیده می‌شود.

- پوشش آثار سفالی با لعاب رنگی شفاف و یکدست (به ویژه با رنگ سبز) از جمله تزئینات مشترک در آثار چانگشا و نیشابور است.
- فرم‌های تزئینی ظروفی که در نیشابور با پوشش لعاب سفید مات همراه هستند (گروه ششم از تقسیم‌بندی وینکلسون) شباهت زیادی با تزئینات چانگشا دارد.
- سفالگران ایرانی به ویژه در قرن سوم هجری قمری (نهم میلادی)، به تقلید برخی از انواع سفالینه‌های ساخت خاور دور پرداختند که در راس آنها نوعی سفالینه با پوششی از لعاب‌های رنگارنگ بود که در عصر تانگ در چین رواج بسیار زیادی داشت (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۶۱). هر چند ایرانی‌ها در آثار باستانی خود به وفور از لعاب‌های رنگی استفاده نموده‌اند، اما با توجه به نبود نمونه‌ای از آثاری سفالی با تکنیک تزئینی چند رنگ، همراه با پوشش لعاب شفاف در نخستین سده‌های اولیه دوران اسلامی در ایران، به نظر می‌رسد تولیدکنندگان نیشابور، آثار چینی دوران تانگ را به عنوان الگوهای تکنیکی خود برای تولید این ظروف برگزیدند (Wilkinson 1973, 158-178)
- در بررسی تزئینات آثار سفالی ایرانی و حتی اسلامی، تا قبل از نیشابور، کاربرد خط به عنوان یک عنصر تزئینی رایج، مشاهده نمی‌شود. همچنین مضامین به‌کاررفته در سفالینه‌های با تزئینات خوشنویسی، در دو منطقه چانگشا و نیشابور، در بیشتر موارد برگرفته از اندیشه‌های اعتقادی دو جامعه می‌باشد؛ هر چند تفاوت فرمی خطوط شکسته چینی با خطوط کوفی به کار رفته در آثار نیشابور، بسیار زیاد است^۲. جدول شماره ۴، تشابهات تکنیکی و تزئینی آثار سفالی دو منطقه را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴. تشابهات تکنیکی و تزئینی آثار دو منطقه چانگشا (چین) و نیشابور (منبع: نگارندگان)

نیشابور (ایران)	چانگشا (چین)	تشابهات تکنیکی و تزئینی
		<p>بکار رفتن تکنیک تزئینی لعاب پاشیده در آثار هر دو منطقه</p>
		<p>بکار رفتن الگوهای تزئینی نقطه ای در آثار هر دو منطقه</p>
		<p>یافته شدن ظروف با لعاب رنگی یکدست (سبز) در آثار هر دو منطقه</p>
		<p>بکار رفتن لعاب سفید مات در آثار هر دو منطقه</p>
		<p>بکار رفتن تزئینات زیرلغابی با رنگ های زرد و قهوه ای در آثار هر دو منطقه</p>
		<p>بکار رفتن الگوهای تزئینی خط در آثار هر دو منطقه</p>

وینکلسون در طبقه‌بندی آثار بدست آمده در نیشابور، تولید تعدادی از سفالهای نیشابور را، به کشور چین (دوران تانگ) نسبت می‌دهد (Winkelson 1973, 254-258). یک قطعه از این آثار که وینکلسون در کتاب خود تصویری از آن را ارائه می‌دهد، دقیقاً مشابه تَنگ‌های با تزئینات برجسته و لعاب موضعی می‌باشد که تولید آنها در چانگشا رواج گسترده‌ای داشت؛ این قطعه، محل اتصال دسته به بدنه یکی از این تنگ‌ها می‌باشد که نقوشی حکاکی شده داشته و قسمت نقشدار با لعاب رنگی شفاف پوشش شده است. به غیر از این، قطعات دیگر این گروه نیز شباهت‌های فرمی و تکنیکی زیادی با آثار چانگشا دارند (دانشپورپرور، ۱۳۷۳: ۴۴).



تصویر شماره ۶. نمونه آثار منتسب به کشور چین، کشف شده در نیشابور (منبع: Krahl et al. 2011)

تصویر شماره ۷. نمونه آثار منتسب به کشور چین، کشف شده در نیشابور (منبع: Wilkinson, 1973)



تصاویر شماره ۸ و ۹. نمونه تنگ با نقوش برجسته و لعاب موضعی مربوط به چانگشا (منبع: Krahl et al. 2011)

مسئله دیگر این پژوهش، پرداختن به این سوال است که چرا علاوه بر دلایلی که برای ارتباط تکنیکی و هنری آثار سفالی دو منطقه چانگشا و نیشابور ارائه دادیم، آثار دو منطقه به خصوص در زمینه فرم‌های تزئینی با یکدیگر فاصله دارند؟ در پاسخ به این مسئله می‌توان به سه دلیل اشاره داشت:

با استناد به تعداد آثار کشف شده در محموله کشتی غرق شده بلیتانگ (به عنوان تنها یکی از محموله‌های تجاری آثار سفالی منطقه چانگشا)، می‌توان تخمین زد که کمیت آثار تولید شده در چانگشا (در دوران اوج خود) به نسبت نیشابور، بسیار بیشتر بوده است؛ این کمیت گسترده، فرآیندی سریع را در تولید موجب می‌شد (احتمالاً نوعی شیوه خط تولیدی) و این فرایند، فرم‌ها و شیوه‌های انتقال (فرم‌های تزئینی) خطی و سریع را طلب می‌کرد، که این مسئله نوع فرم‌های تزئینی بسیاری از آثار تولیدی چانگشا را موجه می‌سازد. این روند در خصوص آثار نیشابور گاه در حد تضاد پیش می‌رود، به عنوان مثال می‌توان به بسیاری از بشقاب‌های تزئین شده با خط کوفی (گروه‌های ۳، ۴، ۵ و ۸ تقسیم بندی وینکلسون) اشاره داشت که فرآیندی آرام و زمانبر را برای انتقال تزئینات طلب می‌کرد.



تصویر شماره ۱۰. فرم‌های تزئینی در آثار چانگشا (منبع: Krahl et al. 2011)



تصاویر شماره ۱۱ و ۱۲. نمونه ای از فرم های تزئینی در آثار نیشابور (منبع: کریمی و کیانی: ۱۳۶۴)

علازغم وجود مضامین مشترک تزئینی مانند گیاهان، پرندگان و چهارپایان در تزئینات سفال هر دو منطقه، وجود الگوهای تجسمی متفاوت در دو فرهنگ چین و ایران؛ به طور غیر قابل انکاری خودنمایی می کند. به طوری که در فرم های تزئینی چانگشا، تاکید بر پویایی، حرکت و سادگی نقوش است و در نمونه های نیشابور، تجرید، ایستایی و تعادل در فضای مثبت و منفی اهمیت دارد.



تصاویر شماره ۱۳ و ۱۴. نقش پرنده در آثار چانگشا (منبع: <http://newsilkroadevent.com/en/changsha>) (kilm)



تصاویر شماره ۱۵ و ۱۶. نقش پرنده در آثار نیشابور (منبع: وینکلسون، ۱۳۷۹)

با بررسی مضامین تزئینات آثار نیشابور، به ویژه آثاری که با خوشنویسی همراه هستند، به رابطه نسبتاً نزدیک سفارش‌دهنده و تولیدکننده این ظروف پی می‌بریم. درج اسامی برخی سفارش‌دهندگان بر این ظروف، این فرض را به میان می‌کشد که اکثر کارگاه‌های نیشابور دارای سفارش‌دهندگان محلی بودند و تولیدکنندگان در این منطقه، اطلاعات دقیقی از ذائقه زیبایی‌شناسی، کاربردی و اقتصادی مصرف‌کنندگان آثارشان داشتند (قوچانی، ۱۳۶۴: ۵ و ۶)؛ اما این رابطه، با توجه به تجارت فرامنطقه‌ای تولیدات سفالی چانگشا، قابل تصور نبوده است. به نظر می‌رسد همین مسئله باعث رواج فرم‌های خاص‌تر در آثار نیشابور و فرم‌ها و مضامین عام‌تر در تولیدات چانگشا شده باشد.

۵. نتیجه‌گیری

آثار سفالی نیشابور از یک سو (بیشتر از بُعد فنی و تکنیکی) متأثر از شیوه‌های شرق به ویژه چین بوده و از سوی دیگر به لحاظ شکل‌های تزئینی و اندیشه‌های حاکم بر آن، وابسته به سنت‌های ایرانی و نیز نوع سفارشات بازارهای محلی و دیگر مراکز و شهرهای مهم اسلامی آن زمان، بوده است. با توجه به یافته‌های این مقاله می‌توان دلایلی را در رابطه با تاثیرگذاری تولیدات چانگشا بر کارگاه‌های نیشابور ارائه داد: پیدا شدن آثاری از تولیدات منطقه چانگشا در نیشابور، وجود تشابهات تکنیکی و تزئینی در آثار دو منطقه (به ویژه در گروه‌های ۲، ۶، ۷ و ۹ تقسیم‌بندی وینکلسون از آثار نیشابور)؛ وجود تزئینات زیرلعابی رنگی در نیشابور که جزء شیوه‌های معمول تزئینی در چانگشا بوده و در ایران تا قبل از نیشابور مشاهده نشده بود؛ به کارگیری تزئینات خوشنویسی (به عنوان یک شیوه رایج

تزئینی در چانگشا) در محصولات نیشابور، که تا قبل از آن در ایران رایج نبود. همچنین دلایلی مانند تفاوت‌های الگوهای تجسمی و تصویری در فرهنگ ایران و چین، تمایز فرایند تولید آثار در کارگاه‌های چانگشا و نیشابور و نیز تفاوت در نوع ارتباط و تعامل تولیدکننده و سفارش‌دهنده در دو منطقه را می‌توان به عنوان دلایل تفاوت تولیدات دو منطقه ارائه داد. تمامی موارد فوق می‌تواند این فرضیه را تقویت کند که بسیاری از هنرمندان و صاحبان کارگاه‌ها در نیشابور از ویژگی‌های فرمی و تکنیکی محصولات سفالی چین (چانگشا) آگاهی داشتند و برخی از آنها با توجه به نوع و میزان سفارش، از این دانش و آگاهی در تولید بخشی از محصولات خود استفاده می‌نمودند.

از مباحث دیگری که می‌تواند به عنوان پیشنهادات جدید پژوهشی در خصوص هنرمندان و آثار تولیدی دو منطقه مورد توجه قرار گیرد، تحلیل اجتماعی جامعه تولیدکننده آثار سفالی در چانگشا و نیشابور می‌باشد؛ همچنین تحلیل نشانه‌شناختی و نیز نشانه - معنی‌شناختی آثار با تزئینات خوشنویسی در هر دو منطقه می‌تواند تصویری شفاف‌تر از تفاوت‌ها و شاید تشابهات نظام اندیشه‌ای حاکم بر تولیدکنندگان و نیز مخاطبان آنها ارائه دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. عراق که به طور سنتی، «مرکز قدرت سیاسی اسلام در قرن هشتم میلادی بود» و در زمان عباسیان و با انتقال پایتخت از دمشق به بغداد، هنرمندان بسیاری از سرتاسر سرزمین‌های اسلامی در این شهر گرد آمدند (mason, 2004: 23).
۲. همچنین محققانی مانند زکی محمد حسن در کتاب «چین و هنرهای اسلامی» ضمن اشاره به اهمیت زیبایی‌شناختی خط نزد چینیان و مسلمانان، از تأثیرپذیری خط کوفی تزئینی از خوشنویسی چینی سخن گفته است (حسن، ۱۳۸۴: ۷۰).

کتاب‌نامه

- آذری، علاءالدین (۱۳۶۷) تاریخ روابط ایران و چین. تهران: امیرکبیر
- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۷۴) تاریخ کامل. ترجمه حسین روحانی. تهران: اساطیر
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۶۵) ایران در صورہ الارض. ترجمه جعفر شعار، تهران: امیر کبیر

مطالعه تطبیقی فرم، تکنیک و کاربرد سفالینه‌های منطقه نیشابور ... ۱۴۵

اسماعیلی جلودار، محمد اسماعیل، جعفر نیا، محسن (۱۳۹۵) از چانگشا تا سیراف؛ تحلیلی بر بازرگانی دریایی ایران و چین در هزاره اول میلادی با استناد بر یافته‌های سفالین چانگشا و منابع نوشتاری، چهارمین همایش دوسالانه بین‌المللی خلیج فارس، ۱۰ و ۱۱ مهر ۱۳۹۵، دانشگاه تهران
بدری، روح‌الله (۱۳۹۱) نیشابور در قرون سوم و چهارم هجری. تاریخ در آینه پژوهش. سال ۹. شماره ۲. صص ۲۰-۵

بلاذری، احمدبن یحیی (۱۳۱۷) فتوح البلدان. ترجمه محد توکل. تهران: نشر نقره

پیرنیا، حسن (۱۳۱۲) ایران باستان، تهران: دنیای کتاب

پیرنیا، محمدکریم، افسر، کرامت‌الله (۱۳۸۰) راه و رباط. تهران: سازمان میراث فرهنگی

توحیدی، فائق. (۱۳۷۹) فن و هنر سفالگری. تهران: سمت

جرالد، فیتز. (۱۳۱۷) تاریخ فرهنگ چین. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. تهران: علمی و فرهنگی

رفیعی، لیلا. (۱۳۷۷) سفال ایران. تهران: یساوی

رید، هربرت (۱۳۸۰) معنی هنر. ترجمه نجف دریابندری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۴) تاریخ مردم ایران قبل از اسلام. تهران: امیر کبیر

دانشپور پرور، فخری. (۱۳۷۳) تاثیر متقابل هنر ایران و چین. میراث فرهنگی. ش ۱۲. صص ۴۷-۴۳

کامبخش فرد، سیف‌الله. (۱۳۸۹) سفال و سفالگری از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر. تهران: ققنوس.

کریمی، فاطمه و کیانی، محمدیوسف. (۱۳۶۴). هنر سفالگری دوره اسلامی ایران. تهران: مرکز باستانشناسی ایران.

لسترچ (۱۳۶۴) جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی فرهنگی

فرانک، آیرن، براونستون، دیوید (۱۳۷۶) جاده ابریشم، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: سروش

قوچانی، عبدالله. (۱۳۶۵). کتیبه‌های سفال نیشابور. تهران: موزه رضا عباسی

محمدحسن، زکی. (۱۳۸۴). چین و هنرهای اسلامی. تهران: فرهنگستان هنر

مقدس، محمدبن احمد (۱۳۶۱) احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه علیقی منزوی. تهران: کاویان

وثوقی، محمدباقر (۱۳۹۵) میراث دریانوردان ایرانی در بنادر چین بنادر گوانجو، جوانجو، خانجو. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

وینکیلسون، چارلز. (۱۳۷۹). «رنگ و طرح در سفالینه‌های ایرانی». در: ریچارد اتینگهاوزن و احسان

یارشاطر. اوج‌های درخشان هنر ایران. تهران: آگاه. صص ۱۴۹-۱۳۳

یعقوبی، احمدبن واضح (۱۳۶۶) تاریخ یعقوبی. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی

- R. Bulliet. W. ,(1973). *The Patricians of Nishapur: A Study in Medieval Islamic Social History*. Cambridge & Massachusetts, Harvard University.
- R. Krahl, J. Guy, J. K. Wilson and J. Raby, (2011). *Shipwrecked: Tang Treasures and Monsoon Winds*, Published by: Arthur M. Sackler Gallery, Smithsonian Institution, Washington, DC, National Heritage Board, Singapore | Singapore Tourism Board.
- C. Wilkinson. ,(1973). *Nishapur: pottery of the early Islamic period*. New York, Metropolitan Museum of Art
- G. Fehevari, (1974). *Islamic Pattery, A Comperhensive Study Based on the Barlow Collection*: London:?
- M. Flecker ,(2001) *A Ninth – Century AD Arab or Indian Shipwreck in Indonesia: First Evidence for Direct Trade with China*. IN *World Archaeology*, Vol.32, No.3, Shipwreck .pp.335-354.
- F.Wood, (2002). *The Silk Road: Two Thousands Year in The Heart of Asia*, Berkeley: University of California
- Y. Liu, Liang. (1991). *A survey of Chinese ceramics. Early wares: prehistoric to tenth century*. Taiwan.
- L. Yang. ,(2011). *Tang Dynasty Changsha Ceramics* , in *Shipwrecked: Tang Treasures and Monsoon Winds*, Edite by: R. Krahl, J. Guy, J. K. Wilson and J. RabyPublished by: Arthur M. Sackler Gallery, Smithsonian Institution, Washington, DC, National Heritage Board, Singapore | Singapore Tourism Board.pp. 144-159.
- R. Mason, (2004). *Shine like the sun: Lustre-painted and Associated Pottery from the Medieval Middle East*. Costa Mesa, California: mazdapublishers.
- W. Watson, (1984). *Tang and Liao Ceramics. New and Collectible*: London, Thames and Hudson.
- <http://ngm.nationalgeographic.com/2009/06/tang-shipwreck/trade-route-illustration>, accessed in 19.May.2015
- The Chinese book about Changsha kiln products available through the website of New Silk Road Program* [<http://newsilkroadevent.com/en/changsha-kiln>] .??